

نقش رودخانه‌های مرزی در روابط ایران و عراق از دوره پهلوی تا آغاز جنگ تحمیلی (مطالعه موردی: گنگیر و کنجان چم در استان ایلام)

دکتر مرتضی اکبری استادیار (آموزشی) دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول مقاله)
دکتر سیاوش یاری دانشیار دانشگاه ایلام

چکیده

مقاله حاضر به بررسی سیر تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق از دوره قاجاریه تا آغاز جنگ تحمیلی پرداخته است. در دوره قاجاریه، والیان پشتکوه براستان ایلام امروزی حاکمیت داشتند و با اقتدار تمام به دفاع از مرزهای این منطقه در برابر عثمانی‌ها پرداختند و به آنان اجازه استفاده بیش از حد آب رودخانه‌های گنگیر و کنجان چم را نمی‌دادند. باروی کار آمدن حکومت پهلوی در ایران و تشکیل دولت عراق پس از جنگ جهانی اول، اختلافات مرزی میان این دو کشور بر سر رودخانه‌های مذکور وارد مرحله جدیدی شد که تا آغاز جنگ تحمیلی ادامه یافت. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که رودخانه‌های گنگیر و کنجان چم چه نقشی در روابط مرزی ایران و عراق داشته‌اند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم تعیین میزان استفاده مرزنشینان از آب رودخانه‌های مزبور در پروتکل تعیین حدود ۱۹۱۴ م. نیاز شدید کشاورزان مرزی به آب رودخانه‌های مذکور و توسعه‌طلبی سران بعث عراق برای رسیدن به امتیازات بیشتر در نوار مرزی ایران از عوامل اصلی اختلاف دو کشور بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، عراق، گنگیر، کنجان چم، اختلافات مرزی، عثمانی.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۵

E-mail: mo.akbari@ilam.ac.ir
E-mail: s.yari@ilam.ac.ir

مقدمه (اهمیت و ضرورت تحقیق)

مناقشات مرزی دولت ایران و عثمانی از عصر صفویه تا سقوط قاجاریه در بیشتر مواقع باعث درگیری‌هایی بین آنان شده بود. مهم‌ترین موارد اختلاف ایران و عثمانی در نوار مرزی پشتکوه (استان ایلام)، مالکیت بر معادن نمک پشتکوه، مناطق صیفی، ملخطاولی و باغ شاهی بوده است. همچنین رودخانه‌های مرزی این استان از جمله گنگیر و کنجان چم که به خاک عراق وارد می‌شوند مورد اختلاف دولت‌های ایران با عثمانی و سپس با دولت عراق بوده‌اند (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۶). رودخانه گنگیر از کوه‌های شمال غربی ایلام از مانشت و کوه‌های شره‌زول و بانکول در شهرستان ایوان غرب سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از دشت ایوان وارد دره‌های باریک و پرپیچ‌وخمی می‌شود و با دریافت آب رود کاژاو در پلپیه، چم سورک و شعبه‌های دیگر در مسیر خود به سومار می‌رسد و پس از عبور از سومار وارد دشت مندلی عراق می‌گردد. این رودخانه از سراب ایوان تا مندلی حدود ۱۰۰ کیلومتر طول دارد. چون قسمت اعظم این رودخانه در استان ایلام قرار دارد و سرچشمه این رودخانه از شهرستان ایوان از توابع استان ایلام است، لذا جزو رودخانه‌های استان ایلام به حساب آمده است. در سال‌های اخیر دولت عراق در میان تنگ سومار سد بزرگی بر روی رودخانه گنگیر احداث کرده که آب زیادی را ذخیره نموده تا مردم مندلی و سایر روستاهای آن منطقه برای کشاورزی و آشامیدن از آن استفاده نمایند. این رودخانه نقش مهمی در روابط ایران و عراق داشته است. آب این رودخانه نقشی حیاتی‌ای در اراضی کشاورزی مندلی عراق داشته و دارد.

پس از رودخانه گنگیر، مهم‌ترین و جدی‌ترین موضوع مورد اختلاف مرزی ایران و عراق در محدوده پشتکوه (استان ایلام امروزی)، آب رودخانه کنجان چم در مهران بود (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۱). رودخانه کنجان چم از کوه مله‌بازان در استان ایلام در خاک ایران سرچشمه می‌گیرد و به سوی غرب جریان می‌یابد و پس از الحاق رود گاوی که آن‌هم از ایران سرچشمه می‌گیرد، به سمت بدره، جسان و زرباطیه عراق جریان می‌یابد. قسمت‌هایی از مرز ایران و عراق را نقطه میانی رودخانه کنجان چم تشکیل می‌دهد. مشترک بودن آب رودخانه کنجان چم در قسمتی از مرز ایران و عراق، باعث شده در ادوار گذشته و به‌خصوص در عصر دولت پهلوی موجب اختلاف ایران و عراق باشد. چون در منابع و اسناد تاریخی به‌صورت پراکنده و غیر منسجم به اختلافات مرزی ایران و عراق بر سر رودخانه‌های گنگیر و کنجان چم اشاره شده است، لازم است تحقیق مدونی در این زمینه صورت گیرد که این پژوهش تلاش کرده است آن را به نحو دقیقی انجام دهد.

بیان مسئله

در تعیین روابط دو همسایه عوامل جغرافیایی، سیاسی، مذهبی، نظامی، انسانی و توپوگرافی بسیار مؤثرند. عدم تعیین حدود، جریان رودخانه‌ها، مهاجرت‌های سیاسی و قومی، پستی‌وبلندی‌ها در مرزها از مهم‌ترین عوامل مؤثر در روابط دو کشور در بستر تاریخ بوده است. از میان مسائل مزبور جریان آب رودخانه‌ها که از کشوری سرچشمه گرفته و به کشوری دیگر وارد می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و گاهی موجب اختلاف بین آنها شده است. در ایران رودخانه‌های زیادی از داخل فلات ایران جریان یافته و از مرزهای کشور خارج شده و به سرزمین‌های همسایگان وارد می‌گردند. برخی از این رودخانه‌ها از حوزه‌های آبریز جغرافیایی استان ایلام سرچشمه گرفته و سپس وارد خاک عراق می‌شوند. رودخانه‌های گنگیر و کنجان چم به دلیل داشتن آب کافی برای کشاورزی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. این رودخانه‌ها در روابط ایران و عثمانی و سپس دولت عراق نقش مؤثری داشتند. از این رو مقاله حاضر درصدد است به نقش رودخانه‌های استان ایلام در روابط مرزی ایران و عراق از آغاز دوره حکومت پهلوی تا شروع جنگ تحمیلی بپردازد.

هدف و روش پژوهش

هدف این تحقیق روشن کردن دلایل اختلافات ایران با دولت عثمانی و دولت عراق بر سر رودخانه‌های گنگیر و کنجان چم که از استان ایلام سرچشمه گرفته و به خاک عراق جریان می‌یابند، است. همچنین این تحقیق با بررسی سیر تاریخی اختلافات ایران و عراق بر سر رودخانه‌های مزبور درصدد است به شکل منظمی این اختلافات را تجزیه و تحلیل نماید. روش پژوهش در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به کتابخانه و با بررسی منابع، اسناد و مآخذ در حد امکان به تحلیل داده‌های تاریخی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

بررسی سابقه اختلافات مرزی ایران و عثمانی و ایران و عراق در کتاب‌های زیادی آمده است. در این کتاب‌ها به دلیل کلی‌گویی، اغلب به موارد جزئی پرداخته نشده است. در مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، اسناد زیادی در این زمینه وجود دارد. همچنین در کتاب‌هایی چون گزارش‌های سیاسی میرزا محمود خان علاء الملک طباطبایی تألیف ابراهیم صفایی چاپ ۱۳۵۲، چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه

نخست سده بیستم تألیف مسعود کوهستانی نژاد چاپ؛ گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره‌ی قاجار، چاپ ۱۳۶۹ و بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق تألیف اصغر جعفری ولدانی چاپ ۱۳۷۶؛ اطلاعات مفیدی درباره اختلافات ایران با عراق در مورد رودخانه‌های گنگیر و کنجان چم آمده است.

اختلافات ایران و عثمانی بر سر رودخانه‌های مرزی پشتکوه

در سال ۱۲۸۰ ه.ق. اهالی زرباطیه عراق، آب رودخانه کنجان چم را به زور برده و مانع استفاده مردم ملخطاوی و صیفی شده بودند؛ لذا دولت ایران در سند شماره ۲۱۶ ماه رمضان سال ۱۲۸۰ ه.ق؛ و سند شماره ۲۱۷ به تاریخ ۲۲ ذی‌عقده ۱۲۸۰ ه.ق. خواستار رسیدگی به وضع موجود شد و خواهان دادن آب به مردم ملخطاوی و صیفی (در مهران) گردیده است و در اسناد شماره ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳ و ۲۳۴، در خصوص اختلافات ایران و والی بغداد (احمد پاشا) در مورد اختلاف بر سر تقسیم آب کنجان چم و مالیات مناطق ملخطاوی و صیفی، مکاتباتی بین دولت ایران و والی بغداد شده است. در آن اسناد از حق مطلق ایران مبنی بر مالکیت بر رودخانه کنجان چم و مناطق ملخطاوی و صیفی یاد شده است (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره‌ی قاجار، ج ۲، ۱۳۶۹: ۳۲۹-۳۲۸، عباسی، ۱۳۷۲: ۶-۱۱).

پس از اختلافات ایران و عثمانی در این دوره، دولت ایران، والی بغداد (احمد پاشا) را تهدید کرد در صورتی که آب رودخانه کنجان چم توسط مردم زرباطیه برده شود و به مردم مهران (مردم صیفی و ملخطاوی) آب کافی برای کشاورزی ندهند، آب رودخانه گنگیر در سومار بر روی مزارع کشاورزان مندلی را می‌بندد (سازمان اسناد ملی ایران، موضوع سند: آب رودخانه کنجان چم، سند شماره ۲/۸۱۴ الف ب ۱۴۶۳/۲۴۰۰۰ ه.ق). در ۹ ذیحجه سال ۱۳۰۸ ه.ق در مورد تفسیر و قطع احتمالی مسیر آب رودخانه گنگیر - که از ایوان سرچشمه گرفته و با گذر از سومار به خاک والی گری بغداد (مندلی) وارد می‌شد (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۹۸) - توسط خان احمدخان حاکم ایوان، سفارت دولت عثمانی به وزارت خارجه ایران نامه‌ای نوشته و خواسته است که خان احمدخان، حاکم ایوان، آب رودخانه گنگیر را قطع نکند و مانند سال‌های گذشته همچنان به سوی خاک عراق جاری باشد (گزیده اسناد سیاسی، ج ۲، ۱۳۶۹: ۷۱). اختلافات مرزی ایران و عثمانی علاوه بر رودخانه‌ها در ایلام، گاهی بر سر غارت محصولات کشاورزی مردم مهران و مرزنشینان ایلامی از سوی اتباع عثمانی در زرباطیه و بدرای شدت گرفت (سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۵۹). در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار و در اوایل حاکمیت غلامرضاخان والی پشتکوه، در سال ۱۳۱۸ ه.ق عثمانی‌ها، از مسیر رودخانه گنگیر به بخش سومار و ایوان تجاوز کردند و اموال و دارایی و محصولات

کشاورزی مردم را غارت کردند و خسارت زیادی را به بار آوردند. در آن عصر، ایوان تابعلمرو کرمانشاهان بود و منطقه سومار به دلیل قرابت‌های فامیلی و حتی تقسیمات سیاسی جزو ایوان محسوب می‌شد (اکبری، ۱۳۸۶: ۵۰۴).

در خصوص حمله عثمانی‌ها به اهالی سومار و ایوان و خسارتی که به بار آورده‌اند، علاءالملک در گزارش‌های سیاسی خود، یادداشتی به خط میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله نائینی، وزیر خارجه آورده و در این رابطه چنین نوشته است: «... چرا عثمانی‌ها چنین اقدامی بی‌مقدمه کردند و قشون دولتی به خاک ایوان کرمانشاهان فرستاده و به صدد خسارت به سکنه سومار برآمدند» (صفایی، ۱۳۵۲: ۱۵۱-۱۵۲).

عثمانی‌ها، در سال ۱۳۲۶ ه. ق. با نیرویی مرکب از دو هنگ که مجهز به توپخانه بودند، به‌منظور غارت محصول کشاورزان مهرانی، به مهران واقع در جنوب غربی ایلام، حمله کردند. غلامرضا خان والی پشتکوه (ایلام)، عده‌ای تفنگچی را که متشکل از افراد محلی بودند، به سرکردگی سید جواد، پسرعموی خود، برای جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها به مهران اعزام کرد. قوای والی در این جنگ شجاعانه جنگیدند و عده‌ای از عثمانی‌ها کشته و اسیر شدند و به غائله تجاوز مرزی آنان خاتمه دادند. از این تاریخ به بعد، غلامرضاخان والی، عده‌ای تفنگچی را در مهران، چنگوله و دهلران، در مرز عثمانی و مسیر تجاوز آنها گمارد و به‌این‌ترتیب تا قبل از جنگ جهانی اول و تعیین مرزها، تجاوزی از سوی عثمانی‌ها به خاک ایران، در منطقه پشتکوه صورت نگرفت و حتی در هنگام تعیین حدود مرزی (در سال ۱۹۱۴ میلادی)، باغ شاهی که از آب رودخانه چنگوله آبیاری می‌شد، به غلامرضاخان والی به‌عنوان ملک شخصی واگذار شد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۶۱). بعدازآن عثمانی‌ها و سپس عراقی‌ها اختلاف چندانی در مورد رودخانه چنگوله نداشتند. شاید شوری زیاد آب و عدم زمین‌های مرغوب در مسیر رودخانه مذکور، باعث شده است دو کشور ایران و عراق بر سر این رودخانه چندان اختلاف نداشته باشند. غلامرضاخان والی بیشتر اوقات، به‌منظور دستبرد به مرزنشینان عثمانی، به خاک آنها تجاوز کرده و اموال و دارایی آنها را به غارت برده است. شاید به همین دلیل، عثمانی‌ها مقابله‌به‌مثل نموده و به مهران حمله کرده باشند تا اموال مردم آنجا را غارت کنند.

در مورد شخصیت غلامرضاخان والی و چگونگی حملات او به خاک عثمانی و دستبردهایش به آنجا، لرد کرزون، در کتاب خود چنین آورده است: «... هر وقت که سرکار والی و افرادش درصدد حرکتی برآیند، مقصد خاک عثمانی است. اقامتگاه زمستانی او در «حسینیه» [ایلام کنونی] بر دامنه پشتکوه در مقابل مرز ترکیه [عثمانی] است، وی از راه کوت العماره با بغداد خریدوفروش می‌کند و به خاک عثمانی دستبرد می‌زند و این موضوع، سبب اختلاف دائمی ایران و عثمانی است...» (لرد کرزون، ۱۳۵۰: ۲/۳۳۷).

یکی از موارد اختلاف نظر ایران و حکومت انگلیسی در عراق، بر سر رودخانه‌های نوار مرزی پشتکوه (ایلام امروزی) از جمله رودخانه گنگیر و کنجان چم بود؛ اما این اختلاف نظرها، گاهی با تفاهم دولت ایران و حکومت انگلیسی بغداد در سال‌های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ ه.ش برابر با ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ میلادی که منجر به تفاهم بین آن دو دولت می‌گردید، رفع می‌شد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۶-۱۹۵، اکبری، ۱۳۹۴: ۸۵).

آب رودخانه گنگیر در بیشتر موارد باعث اختلاف کشاورزان منطقه سومار (از ایران) و مندلی (از عراق) بوده است. این مشکلات منجر به دخالت دو دولت ایران و عراق در این مناطق گردیده است. در اسفندماه ۱۲۹۷ ه.ش / مارس ۱۹۱۹ م. سر پرسی ساکس سفیر کبیر انگلیس در تهران طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران، ضمن بیان سابقه موضوع اختلاف نظر بر سر رودخانه گنگیر و عدم حل آن مسئله در جلسه یازدهم آوریل ۱۹۱۴ میلادی کمیسیون فنی تحدید حدود ایران و عثمانی، به اشکالات ایجادشده از سوی والی پشتکوه در مورد رسیدن آب رودخانه گنگیر به مردم مندلی اشاره و پیشنهاد کرد، کنترل دره و دشت سومار که رودخانه گنگیر از آن می‌گذرد به حاکم کرمانشاه و نیز دودخان کلهر واگذار شود؛ باین شرط که اهالی مندلی برای مصرف تمامی آب گنگیر، سالانه، معادل سیصد تومان به دولت ایران بپردازند. در این زمان سومار جزو قلمرو والی ایلام بود. پس از چندی وزارت امور خارجه ایران، به سر پرسی ساکس سفیر مختار انگلیس در ایران در خصوص آب رودخانه گنگیر پاسخ داد که دولت ایران موافق پیشنهاد مذکور نیست و حتی دولت ایران این پیشنهاد را در سال ۱۹۱۴ میلادی هم نپذیرفته و دولت ایران همچنان حاکمیت آب رودخانه گنگیر را در اختیار والی پشتکوه (که در آن زمان غلامرضاخان والی بود) قرار داده است. همچنین دولت ایران به دولت انگلیس اعلام کرد، دولت عثمانی قبلاً پیشنهاد کرده، نصف آب گنگیر به عثمانی داده شود و در عوض، زمین‌های «آب‌بخشان» واقع در رودخانه نفت (در نفت شهر امروزی) که قشلاق سنجابی است به علاوه چند قریه از دهات سرحدی کردستان در حوالی «البیجه» از قبیل «بیاره»، «طویله» و غیره معاوضه کنند. این پیشنهاد موردقبول نیفتاد؛ زیرا اهمیت آب این رودخانه برای دولت ایران بیش از آن مناطق بود. با وجود اهمیت آب رودخانه گنگیر برای دولت ایران که حتی پیشنهاد عثمانی را برای عوض کردن نصف آب این رودخانه با مناطق مذکور در سال‌های قبل (۱۹۱۴ میلادی) نپذیرفته بود، دولت ایران در ادامه نامه‌نگاری‌های خود با سفارت انگلستان، به منظور بهبود روابط خود با انگلستان در اواخر سال ۱۲۹۷ و اوایل ۱۲۹۸ ه.ش. حاضر شد قسمتی از آب رودخانه گنگیر را در اختیار کشاورزان مندلی عراق قرار دهد و از این زمان به بعد، حق حاکمیت سومار از والی پشتکوه (غلامرضاخان ابو قداره) گرفته شد و به حکومت کرمانشاهان واگذار گردید (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۹).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است چرا انگلیسی‌ها از دولت ایران خواستند که حق حاکمیت سومار از ابو قداره والی پشتکوه گرفته شود و به داود خان کلهر، حاکم قسمت‌هایی از غرب کرمانشاهان واگذار گردد؟ در پاسخ این سؤال، جوابی در منابع آن عصر نیامده است؛ ولی بدون شک مهم‌ترین دلیل انگلیسی‌ها برای این خواسته، آن است که چون در جریان جنگ جهانی اول، غلامرضاخان، والی پشتکوه موضع ضد انگلیسی خود را آشکار کرد و با دولت موقت در کرمانشاه همکاری کرد (اتحادیه، ۱۳۷۹: ۲۰۹) و گرایش زیادی به آلمانها پیدا کرد (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۳۴)، لذا یکی از دلایل جدا کردن سومار از پشتکوه همین مسئله بود. دلیل دوم برای جدایی سومار از پشتکوه آن بود که چون والی ابو قداره همچون یک شاه قدرتمند در پشتکوه حکومت می‌کرد و با اقتدار سومار و مناطق تحت نفوذ را حفظ می‌کرد و به میزان لازم مالیات از این مردم می‌گرفت؛ بنابراین حاضر به دادن آب گنگیر به مردم مندلی نبود، به همین دلیل دولت عراق از غلامرضاخان دل‌خوشی نداشت و خواستار جدایی منطقه حاصلخیز و پررونق سومار از پشتکوه و واگذاری آن به حکومت کرمانشاهان بود. انگلیس با جدا کردن سومار از پشتکوه ضربه اقتصادی - سیاسی بزرگی بر غلامرضاخان وارد کرد که حتی منجر به جنگ‌هایی بین غلامرضاخان ابو قداره و داود خان کلهر بر سر منطقه ایوان و سومار گردید.

اختلاف ایران و عراق بر سر آب رودخانه‌های کنجان چم و گنگیر

پس از آن که انگلیس قیمومیت عراق را به دست آورد، یعنی در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۰ هـ ش. ۲۳-۱۹۲۱ م. که زمان آغاز تشکیل عراق با سیستم حکومتی خاص بود، مشکلات و معضلات سنتی مرزی نواحی غرب ایران در نخستین سال تشکیل پادشاهی عراق، دوباره شروع شد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۲۶). در برخی نواحی بر اساس صورت‌جلسات کمیسیون فنی سال ۱۹۱۴ م. و پروتکل نوامبر ۱۹۱۳ م. میله‌گذاری‌هایی انجام گرفت؛ اما در مورد آب رودخانه‌های گنگیر در سومار و کنجان چم در مهران بین دولت ایران و عراق اختلاف به وجود آمد. همچنین عراق در مورد حاکمیت بر اراضی باغ شاهی (در مهران) از سوی عشایر و مقامات ایرانی با مشکلاتی مواجه گردید. در این میان اقدامات والی پشتکوه (در تعیین تابعیت خود) نیز موجب بروز حساسیت شد. یکی دیگر از جنجالی‌ترین مسائل موجود بین ایران و دولت نوپای عراق در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۰ هـ ش. مسئله حضور اتباع ایرانی در بین‌النهرین (عراق) بود. به دلیل وقوع جنگ جهانی اول در عراق، در آن منطقه کسب‌وکار زیاد شده بود. بنابراین عدّه زیادی از مردم پشتکوه (ایلام امروزی) و خوزستان به عراق مسافرت نمودند تا در ادارات مختلف، همچون احداث راه‌آهن، بندرسازی،

ساختمان‌سازی و... به کار مشغول شوند. در زمان جنگ جهانی اول حدود پنجاه‌تا شصت هزار نفر کارگر ایرانی در عراق، به‌خصوص در قسمت‌های جنوبی عراق مشغول به کار بودند. بر اساس گزارش وزارت امور خارجه ایران در این عصر بیش از نیم میلیون نفر ایرانی در تمام شهرهای عراق زندگی می‌کردند. پس از جنگ، عده زیادی از این ایرانی‌ها از عراق به ایران بازگشتند. در صورت‌جلسات کمیسیون فنی تحدید حدود ۱۹۱۴ م. / ۱۳۹۳ ه.ش. تلاش شد تکلیف برخی از رودخانه‌های مرزی ایران که به سمت عراق جریان دارند، حل شود. فهرست رودخانه‌هایی که از ایران به سمت عراق در استان ایلام جریان دارند عبارت‌اند از: رود دویرج، رود چنگوله، رود کنجان چم، رود گاوی (= این رود فصلی است)، رود کانی شیخ، رود ترساق و رود گنگیر (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۶۷، ۶۹، ۱۹۵، ۱۹۶؛ اکبری، ۱۳۹۴: ۸۴)، رودهای گدار خوش و تلخاب هم به عراق وارد می‌شوند.

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۸ ه.ش. مشکل اصلی موجود در روابط ایران و عراق، در خصوص نحوه استفاده از آب رودخانه گنگیر در مرز سومار بود. آب این رودخانه در سال ۱۹۱۴ م. به‌صورت نصف بین کشاورزان سومار و مندلی عراق تقسیم گردید؛ اما در اواخر سال ۱۲۹۷ ه.ش. برای نخستین بار در مورد نحوه استفاده از آب این رودخانه، بین حکومت انگلیسی عراق و دولت ایران مباحثی مطرح شد. مقامات انگلیسی در عراق به دولت ایران پیشنهاد دادند؛ علاوه بر تأمین نیمی از آب حقه اهالی مندلی، نیم دیگر آن نیز به آنها فروخته شود؛ اما چون دولت ایران در قبال خواسته‌ها، اراضی زیادی را در عوض آن از دولت عراق خواستار شد، این مذاکرات ادامه پیدا نکرد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۱۹۶؛ اکبری، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

به دلیل عدم بهره‌برداری کشاورزان سومار از میزان سهمی خود از رودخانه گنگیر، عملاً آب مزبور بدون استفاده راهی عراق می‌شد و به مصرف باغات و مزارع کشاورزی روستاهای عراق می‌رسید. عراقی‌ها، هرچند وقت یک‌بار، میزان ناچیزی (سالیانه سیصد تومان) به مقامات محلی ایران پرداخت می‌کردند. این وضعیت از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ ه.ش. ادامه یافت؛ اما در سال ۱۳۰۲ ه.ش. به دلیل کشت صیفی‌جات در سومار آب این رودخانه به مصرف زمین‌های کشاورزی منطقه سومار می‌رسید و چون به‌اندازه کافی، آب به عراق نمی‌رفت، موجب خسارت زیادی در آن منطقه گردید. چون قائم‌مقام مندلی به ایران اعتراض کرد، والی پشتکوه در پاسخ به درخواست عراق، دستور داد آب را به‌صورت نصف به مردم مندلی بدهند؛ اما وزارت امور خارجه‌ی ایران در یک تحقیق در خصوص اهمیت آب رودخانه گنگیر برای عراق به این نتیجه رسید در صورتی که آب رود گنگیر به مندلی و روستاهای اطراف آن جاری شود، دولت عراق سالی متجاوز از دویست هزار تومان مالیات اضافه بر آنچه رسم معمول بوده، از محل عایدات نخلستان‌های مندلی دریافت می‌کند که این رقم، مالیات بسیار زیادی بود. در اوایل سال ۱۳۰۶ ه.ش. سفارت انگلیس در تهران به وزارت خارجه ایران اعلام

کرد که آب رودخانه گنگیر (سومار) بر مبنای توافق نامه نصف-نصف به اهالی مندلی نمی‌رسد و بیشتر آن به مصرف کشاورزان سومار می‌رسد. پس‌ازاین شکایت، مأموران دولت ایران در اواخر سال ۱۳۰۶ ه.ش. با مراجعه به سومار و پس از تحقیقات به‌عمل آمده به این نتیجه رسیدند که کمتر از نصف آب رودخانه گنگیر به مندلی می‌رود و اعتراض عراقی‌ها درست بوده است. لذا مقامات ایرانی به‌صورت شفاهی و بدون هیچ‌گونه نوشته‌ای حاضر شدند، نصف آب این رودخانه را به کشاورزان مندلی عراق بدهند. پس‌ازاین، کنسول ایران در مندلی گزارش داد که اهالی شهر مندلی حاضر به خرید نصف دیگر آب رودخانه گنگیر از ایران هستند (کوهستانی نژاد: ۱۹۸-۱۹۶)؛ اما خواسته مردم مندلی مبنی بر خرید نصف دیگر آب رودخانه گنگیر که حق مردم سومار بود، تحقق نیافت.

در اوایل سال ۱۳۰۷ ه.ش. به دنبال کاهش بارندگی در نواحی ایلام، ایوان و سومار، حجم آب رودخانه گنگیر کاهش پیدا کرد و از ۶۰ فوت در دقیقه به ۳۸ فوت در دقیقه رسید و این کاهش مقدار آب، بار دیگر مشکل تقسیم آب را بین دو دولت ایران و عراق فراهم کرد. این مشکل چنان زیاد بود که نمایندگان مجلس عراق به دولت ایران اعتراض کردند؛ اما به دلیل دخالت دربار ایران (به دلیل خالصه بودن اراضی دشت سومار که رودخانه از آن می‌گذشت)، این مشکل در تابستان همان سال حل شد (اکبری، ۱۳۹۴: ۸۶). بر اساس گزارش‌ها و اسناد موجود در مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران، تا زمانی که دره سومار و آب رودخانه گنگیر در اختیار و تحت سلطه غلامرضاخان والی پشتکوه بود، اجازه نمی‌داد که آب این رودخانه به اندازه کافی به مندلی سرازیر شود. در این خصوص در اسناد آمده است: «... ولی وقتی که دره سومار در ید والی پشتکوه بود مقدار آب معینه به‌هیچ‌وجه به اهالی مندلی داده نمی‌شد» (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۲۳). چون آب مصرفی کشاورزان زرباطیه، بدره و جسان عراق در دوره عثمانی منحصر به آب رودخانه کنجان چم، بود لذا کشت و زرع بیش‌ازاندازه، گاهی موجب خشک‌سالی مناطق ملخطلوی و صیفی مهران و تعصب والیان پشتکوه همچون حسینقلی خان و غلامرضاخان والی می‌شد. آب این رودخانه همیشه باعث اختلاف عثمانی‌ها و دولت ایران بود.

عثمانی‌ها برای تأمین آب مناطق مذکور، همیشه درصدد حمله به اراضی صیفی و ملخطلوی بودند که به‌وسیله این رودخانه آبیاری می‌شد. والیان پشتکوه همیشه با قاطعیت هجوم عثمانی‌ها را به این اراضی دفع می‌کردند و مانع از تصرف آن مناطق توسط عثمانی‌ها شدند (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۱۴). این اختلافات تا انقراض والیان پشتکوه ادامه داشت (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۱). در پروتکل کمیسیون تحدید حدود استامبول در سال ۱۹۱۴ م./ ۱۲۹۳ ه.ش. هفتصد مایل مربع از اراضی واقع در شمال و جنوب قصر شیرین به دولت

عثمانی واگذار شد که «اراضی انتقالی» نامیده شد. امروزه بخشی از صادرات نفت عراق از چاه‌های نفت خانه و خانقین که جزو «اراضی انتقالی» بوده‌اند، تأمین می‌شود (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹: ۳۳).

در صورت‌جلسات سال ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ ه. ش. به نحوه تقسیم آب رودخانه کنجان چم اشاره نشده بود؛ ولی آب این رودخانه به صورت نصف-نصف، توسط هر دو کشور مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ اما نحوه تقسیم آب این رودخانه، همیشه مورد اعتراض دولت عراق بود. از آن جمله، در اواخر مرداد سال ۱۳۰۹ ه. ش، وزارت خارجه عراق، طی مراسله‌ای به سفارت ایران در بغداد، از اقدام عشیره ایرانی زرگوش در قطع آب ناحیه زرباطیه (آب کنجان چم) شکایت کرد. در پیگیری شکایت مزبور، حاکم پشتکوه (ایلام)، پاسخ داد: «زارعین در خاک ایران به قدر لزوم و احتیاج زراعتی از آب رودخانه مذکور مصرف نموده و فاضلاب هرچه هست به خاک عراق می‌رود و قراری هم تاکنون نبوده است که زارعین ایرانی زراعت نکنند که آب برای زراعت ناحیه زرباطیه برود». در اوایل سال ۱۳۱۰ ه. ش. مردم مندلی عراق از کمبود آب رودخانه گنگیر شکایت کردند. در نتیجه کمیسیونی از مسئولین ایران و عراق تشکیل شد و در تیرماه ۱۳۱۰ ش. مشخص شد که میزان آب رودخانه گنگیر ۶۰ فوت مکعب در ثانیه (منهای ۴ فوت تبخیر) و میزان آب قنات‌هایی که در اراضی ایران در این منطقه حفر شده بود، هشت فوت مکعب در ثانیه بود. در نتیجه نصف آب این رودخانه یعنی ۲۸ فوت به اهالی مندلی داده شد و نحوه استفاده آب قنات‌ها هم مشخص شد. در سال ۱۳۱۱ ه. ش. در منطقه پشتکوه (ایلام) نزولات جوئی کاهش پیدا کرد و در نتیجه آب رودخانه گنگیر - که سرچشمه آن در کوه‌های ایوان غرب است - کاهش پیدا کرد. در نتیجه عراقی‌ها در اوایل مرداد ۱۳۱۱ ه. ش. به دولت ایران پیشنهاد کردند، اراضی ایران در مجاورت مرز (روستاهای تارپون، سیاه سیاه، نی پهن و ملاجعفر از روستاهای مرزی سومار) که در همسایگی شهر مندلی هستند و از آب رودخانه گنگیر مشروب می‌شوند، به عراق اجاره داده شود. محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه وقت ایران ضمن اظهار تعجب از این پیشنهاد، پیشنهاد مزبور را اساساً فاقد ارزش فکر کردن اعلام نمود (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۹-۲۷۸) و این پیشنهاد را رد کرد.

عراقی‌ها برای رفع مشکل کمبود آب در مندلی، تقاضای تشکیل کمیسیون سه‌جانبه و تقسیم آب به روال تیرماه ۱۳۱۰ ه. ش. را کردند، اما چون میزان آب این رود کم شده بود تقاضای عراقی‌ها رد شد و رضاشاه شخصاً دستور داد آب این رودخانه نصف-نصف تقسیم شود و محل تقسیم نیز در نزدیک مرز و داخل خاک ایران باشد و این دستور رضاشاه انجام شد (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۵۲). در اوایل سال ۱۳۱۲ ه. ش. عراقی‌ها در خصوص آب رودخانه گنگیر، اشکال دیگری را مطرح کردند. بر اساس صورت‌جلسات کمیسیون فنی ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ ه. ش. آب رودخانه گنگیر می‌بایست نصف می‌شد. کوهستانی نژاد در کتاب خود در

مورد این مسئله چنین آورده است: «در نتیجه محل تقسیم آب می‌باید قبل از ورود رودخانه مزبور به منطقه سومار باشد؛ زیرا در سومار، رودخانه مزبور به رود سومار معروف بود. در حالی که محل تقسیم آب تا آن زمان در نزدیکی مرز ایران و عراق و در غرب منطقه سومار واقع شده بود. [این تقسیم‌بندی به نفع اهالی مردم سومار و دولت ایران بود] اعتراض عراقی‌ها، عملاً به معنای اضافه نمودن آب مصرفی منطقه سومار به کل آب مورد نظر برای تقسیم بین دو کشور بود. ایران از تأیید صورت‌جلسات سال ۱۹۱۴ م. امتناع می‌کرد؛ لیکن با وجود چنین موضوع، فعالیت کمیسیون تشکیل شده در خرداد ۱۳۱۲ ش. برای تقسیم آب، نتایج مثبتی را به همراه داشت. بر اساس توافق شفاهی اعضاء کمیسیون تقسیم آب در بیست‌متری بالای نهر اشتران [= اشتران] که از رودخانه گنگیر منشعب شده و به بخشی از اراضی سومار آب می‌رساند، انجام شد. [حدود ۱۲ کیلومتری مرز در خاک ایران] همچنین یک میراب از اهالی مندلی و یک میراب از اهالی سومار نیز بر جریان آب نظارت می‌کردند؛ ولی باز هم در منطقه سومار قرار داشته و به همین سبب اعتراض عراقی‌ها ادامه داشت» (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۶-۲۷۵).

یعقوبی در کتابش به نقل از اسناد مربوط به استان ایلام که توسط نورالدین نعمتی جمع‌آوری شده است، در خصوص چگونگی رفع اختلاف ایران و عراق در مورد رودخانه گنگیر در سال ۱۳۱۲ ه. ش. چنین نوشته است: «در سال ۱۳۱۲ ش. بنا به دستور رضاشاه، هیئتی به ریاست آقای سرهنگ ذنبلی حکمران باوند پور و عضویت آقای نصرالله بهنام رایزن سفارت شاهنشاهی در بغداد و آقای اسماعیل شیرازی متخصص وزارت دارایی به اتفاق نمایندگان عراق، اقدام به تقسیم و تنصیف آب گنگیر بین سومار و مندلیج نموده و تقسیم را در بیست‌متری بالای نهر اشتران [روستای اشتران] که ابتدای خاک سومار است تعیین کردند» (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۰).

در پی اعتراض‌های دولت عراق در مورد آب رودخانه گنگیر در اردیبهشت ۱۳۱۳ ه. ش. سمیعی سفیر ایران در بغداد پیشنهادهای و نظراتی را درباره نحوه استفاده از آب رودخانه مذکور بین ایران و عراق را به وزارت خارجه ایران ابلاغ کرد. ایشان گفته بودند که ایران و عراق به صورت نصف - نصف بر اساس توافقنامه ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ ه. ش. از آب این رودخانه استفاده کنند و قنات‌های مردم مندلی که در خاک ایران حفر شده بودند، همچنان باقی بمانند و ایران اعتراف کند که مردم مندلی حق استفاده از آب رودخانه گنگیر را دارند...؛ اما نظرات و پیشنهادات سمیعی سفیر ایران در بغداد توسط نصرالله بهنام که از مقامات ایران در وزارت امور خارجه بود، رد شد. نصرالله بهنام ضمن رد توافقنامه ۱۹۱۴ م. و تقسیم آب در بالاتر از روستای اشتران متذکر شد اگر قضیه آب گنگیر حل شود، ایران یکی از مهم‌ترین ابزار خود را برای تحت فشار گذاشتن عراق از دست خواهد داد. در نهایت وزارت خارجه ایران، نظر نصرالله بهنام را پذیرفت و پس‌از آن به همان ترتیب

سابق (نصف - نصف) با قضیه آب گنگیر برخورد کرده و متقابلاً هر سال به مدت چند ماه اعتراضات اهالی مندلی و مقامات عراق در خصوص نحوه تقسیم آب رودخانه مذکور، متوجه ایران می‌شد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۷ - ۲۷۶).

بر اساس کمیسیون مشترک ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ هـ ش. بین ایران و عثمانی، مرزهای غربی کشورمان، معاهده‌های پیشین، یعنی عهدنامه‌های ارز روم اول (۱۲۳۸ ق) در عهد فتحعلی شاه و عهدنامه‌ی دوم ارز روم (۱۲۶۳ ق / ۱۸۴۷ م) در عهد محمدشاه قاجار و عهدنامه‌ی قصر شیرین (۱۰۴۹ هـ ق / ۱۶۳۹ م) در عهد شاه صفی صفوی شناخته شد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۲). بر اساس عهدنامه قصر شیرین (زهاب) مرزهای دو کشور مشخص شد و تاکنون، اساس و پایه‌های نوار مرزهای ایران با عراق را تشکیل داده است. با این شرایط، پس از جنگ جهانی اول و استقلال عراق به صورت یک کشور مستقل، کم‌وبیش بر سر قسمت‌هایی از نوار مرزی اختلاف به وجود آمد. از جمله این اختلاف‌ها می‌توان در خصوص اروندرود و همچنین رودخانه کنجان چم در مهران اشاره کرد که مورد دعاوی بین دولتین ایران و عراق بوده است.

در هشتم ژانویه ۱۹۳۵ م. / ۱۳۱۳ هـ ش. دولت عراق در مورد اختلاف نظرش با دولت ایران بر سر اروندرود و رودخانه کنجان چم به جامعه ملل شکایت کرد. نوری سعید وزیر امور خارجه عراق و باقر کاظمی وزیر امور خارجه ایران مأمور رسیدگی به حل اختلافات ایران و عراق شدند. در کتاب بررسی «اختلافات مرزی ایران و عراق» در این خصوص آمده است: «... درخواست دولت [ایران] از عراق دارای سه پیوست بود؛ از جمله متن معاهده ارز روم، پروتکل ۱۹۱۳ م. و صورت‌جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ م. و چند قضیه در مورد اروندرود، مانند قضیه رودخانه کنجان چم. متعاقب آن، وزارت خارجه عراق نیز طی نامه‌ای، در ۲ ژانویه ۱۹۳۷ / ۱۶-۱۳۱۵ هـ ش. چندین سند را برای دبیر کل جامعه ملل و به منظور مطالعه اعضای شورا ارسال کرد» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۱۵۹-۱۵۷).

منازعه ایران و عراق بر سر آب کنجان چم

در تاریخ ۱۳۱۱/۵/۱۲ هـ ش. از سوی وزارت امور خارجه عراق به سفارت شاهنشاهی ایران اطلاع داده شد که در منصورآباد (مهران)، مأموران سرحدی ایران اقدام به حفر نهر رضاآباد کرده‌اند. چون حفر نهر مزبور باعث کاهش جریان آب رودخانه کنجان چم به سمت زرباطیه عراق می‌شد؛ لذا از دولت ایران خواسته شد از حفر کانال مذکور جلوگیری به عمل آورد. حفر این نهر شبیه به لایروبی بود؛ زیرا به دلیل عدم استفاده، مدتی متروکه شده بود. دولت ایران برای رفع این مشکل و پاسخ به اعتراض وزارت خارجه عراق، دستور توقف این

نهر را صادر کرد (یعقوبی: ۱۳۸۹: ۷۲). به دنبال کاهش نزولات جوی در سال ۱۳۱۱ دولت عراق را به تکاپو برای دستیابی به آب رودخانه‌های ایلام انداخت (اکبری، ۱۳۹۴: ۹۲).

در ادامه اختلافات ایران و عراق بر سر رودخانه کنجان چم، حاکم نظامی پشتکوه، گزارش داده است که اهالی زرباطیه سه نهر از نهرهایی که به سمت منصورآباد در جریان بوده را خراب کرده‌اند. مردم منصورآباد برای تأمین آب موردنیاز خود مجبور شدند با اسلحه از این نهرها حراست کنند؛ اما اهالی زرباطیه با نیروی بیشتر به محافظین ایرانی حمله کرده و آب را به سمت زرباطیه جاری کردند. نیروهای دولتی ایران به کمک مردم منصورآباد رفته و دوباره آب را به سمت منصورآباد جاری کردند (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۳). در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۳۴ م. / ۱۳۱۲ ه. ش. نوری سعید وزیر امور خارجه عراق، از جامعه ملل درخواست کرد که علاوه بر طرح سایر اختلافات ایران و عراق، مسئله رودخانه کنجان چم را مطرح کرده است. دولت ایران بر اساس پروتکل ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ ه. ش. که به مسئله تقسیم آب کنجان چم اشاره‌ای نشده است، طی یادداشتی دولت عثمانی را عامل کارشکنی در اجرای این پروتکل دانسته است (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۳).

در روز پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۱۳ ه. ش. ریاست تشکیلات امنیه کل مملکتی همراه با حاکم نظامی پشتکوه به منصورآباد (مهران) وارد شد. در این رابطه در روزنامه اطلاعات آمده است: «منصورآباد، ۱۸- [۱۳۱۳/۳/۱۸]، ریاست محترم تشکیلات امنیه کل مملکتی به اتفاق حکومت [حاکم] پشتکوه به منصورآباد وارد گردیدند» (اطلاعات، ۱۳۱۳/۳/۲۰: ۳). به دلیل همسایگی مهران با مرز عراق و مشکلات مرزی ایران و عراق و بخصوص اختلاف بین ایران و عراق بر سر رودخانه کنجان چم این مقام امنیتی کشور، در تاریخ مذکور برای رسیدگی به اوضاع مرزی شهر مهران وارد این منطقه شده است.

ادامه منازعات محلی در مورد آب رودخانه کنجان چم باعث شد که در اواسط سال ۱۳۱۴ ه. ش. وزارت خارجه عراق، پیشنهاد تشکیل یک کمیسیون مشترک جهت نحوه تقسیم آب رودخانه کنجان چم را ارائه دهد. درخواست عراق، به مقامات ایرانی منعکس شد؛ اما نصرالله بهنام کنسول باهوش و زیرک سفارت ایران در بغداد، نوشت: «در سال ۱۹۱۴ م. قیدشده که می‌بایست منطقه زرباطیه هم از آب رودخانه کنجان چم استفاده کند؛ ولی میزانی برای آن تعیین نشده است. بدین جهت، همیشه به دولت عراق خاطرنشان شد که پس از مشروب شدن اراضی کشاورزی ایران، فاضلاب به طرف عراق جاری می‌شود. چون فاضلاب مزبور، کفاف کشاورزی زرباطیه را نمی‌دهد، همواره مأمورین سرحدی عراق به مقام شکایت برآمده و اتهاماتی را هم نسبت به مأمورین سرحدی ایران وارد می‌آورند. در حال منظور دولت عراق این است که آب رودخانه کنجان چم بین ایران و عراق تقسیم شود» (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی ۲۷۳-۲۰-۳۳-۱۳۱۴ ه. ش. و ۱۳۲۸ ه. ش. و ۱/۱۰-۲۷۳-۳۳-۱۳۱۴ ه. ش.).

حاکم پشتکوه (ایلام)، ضمن بیان سوابق موضوع، متذکر شد: «تشکیل کمیسیون به‌منزله شناسایی قرارداد ۱۹۱۳ و صورت‌جلسات ۱۹۱۴ م. است. حتی به فرض وجود چنین شناسایی نیز عراقی‌ها، هیچ‌گونه حقی از آب رودخانه مزبور نخواهند داشت. نصف آب رودخانه کنجان چم به‌هیچ وجه کفاف زراعت رعایای سرحدی ایران را نخواهد کرد». ستاد ارتش نیز به نقل از کمیسر سرحدی مهران نوشته است: «وجود شکایات رعایا [ی] عراقی از عدم کفایت آب، برای زراعت تکذیب می‌شود. در سال جاری شکایاتی در این رابطه مطرح نبوده و منظور دولت عراق از پیشنهاد تشکیل کمیسیون موردبحث این است که سهم آب خود از رودخانه کنجان چم را رسمیت دهد». بدین ترتیب مشکل آب رودخانه کنجان چم با دولت عراق مانند سایر رودخانه‌ها حل نشد. در اواخر سال ۱۳۱۶ هـ. ش. اداره کل فلاحات ایران، طرحی را برای ایجاد یک سد در منطقه علیای رودخانه کنجان چم بر روی آن رودخانه، تهیه کرد. محل احداث این سد را در داخل خاک ایران قراردادند و در نتیجه آن، امکان بهره‌برداری از تمامی آب رودخانه مزبور برای کشاورزان ایرانی فراهم می‌شد. پس از طراحی سد مذکور بر روی رودخانه کنجان چم، وزارت امور خارجه ایران، با ارسال نامه‌ای به اداره کل فلاحات (کشاورزی)، ضمن یادآوری متن صورت‌جلسات ذی‌ربط سال ۱۹۱۴ م. اعلام داشت: «بدیهی است در صورتی که اقدام به برگرداندن آب رودخانه کنجان چم به داخل ایران شود به‌طوری که فضایی هم به اراضی زرباطیه نرسد، موجب شکایت دولت عراق خواهد شد» (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۰-۲۷۹، ۳۴۵).

در سال ۱۳۲۷ هـ. ش. دولت ایران رسماً نسبت به ایجاد سدی که از سوی عراقی‌ها، بر روی رودخانه کنجان چم مهران قرار بود احداث شود، اعتراض کرد. در پاسخ، عراقی‌ها ضمن قبول موضوع، حل آن را منوط به تشکیل کمیسیون حل اختلاف مرزی دو کشور نمودند (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره، ۳-۲۳۷-۲۳-۱۳۲۸ هـ. ش و ۳-۲۷۳-۱/۱۰ سال ۱۳۲۸ هـ. ش.). چند ماه بعد در همین سال (۱۳۲۷ هـ. ش.) دولت عراق به ایران پیشنهاد داد که به منظور تقسیم آب رودخانه گنگیر، سدی را در بالای سومار و در قلمرو خاک ایران احداث کنند و دو شعبه آب یکی برای اهالی سومار و دیگری برای مردم مندلی جداگانه درست شود. این پیشنهاد با واکنش نسبتاً بهتری از سوی ایران مواجه شد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۳۴۸). محل احداث این سد را در مابین روستای ورگج و «خواخلگه»، از روستاهای سومار و در هفده کیلومتری مرز، قراردادند.

در خرداد سال ۱۳۲۸ هـ. ش. امیرعبدالله عراقی وارد تهران شد و پس از مذاکراتی که در خصوص حل مشکلات مرزی ایران و عراق با محمدرضا شاه پهلوی و مقامات ایرانی داشت در مورد نحوه استفاده آب رودخانه گنگیر سومار مذاکراتی به عمل آوردند که به‌موجب آن قرار شد موقتاً تحت نظارت مرزبانان دو

کشور، مقدار آب مورداحتیاج اهالی مندلی به آنها داده شود تا متعاقباً بتوانند به عقد یک موافقت‌نامه دائمی در مورد آب‌های آن منطقه دست یابند (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی ۱-۲۰۰-۲۰-۱۳۲۸ هـ ش و ۳-۲۷۳-۱/۱۰ سال ۱۳۲۸ هـ. ش).

در اواخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ هـ ش. یک دسته مهندس به نام آقایان مهندس بادی، مهندس هاشمی و مهندس اقتداری از سوی استانداری کرمانشاه که ایلام از فرمانداری‌های آن استان بود، انتخاب شدند تا به نقشه‌برداری از سد رودخانه کنجان چم بپردازند (اطلاعات، ۱۳۳۰: ۷). با این اقدام اراضی حاصلخیز و دشت وسیع مهران آبیاری می‌گردید و زمین‌های زیر کشت آبی، بیشتر می‌شد. در اواسط سال ۱۳۳۰ هـ. ش. عراقی‌ها در مورد کاهش میزان آب رودخانه کنجان چم به‌واسطه اقدامات کشاورزان مهرانی و در خصوص استفاده بیش‌ازاندازه آنان از آب رود مذکور به مقامات ایران شکایت کردند. برای رسیدگی به این مشکل، هیئتی از کارشناسان به منطقه مهران اعزام شدند و با بررسی موضوع، این هیئت، ادعای عراقی‌ها را باطل دانست و به آنان ثابت کرد که ادعایی بیش نبوده است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۳۴۸).

منظور ادعاهای عراق از کاهش میزان آب رودخانه کنجان چم به‌واسطه مصرف بیش‌ازاندازه کشاورزان مهرانی بود که میزان سهم خودشان را در این خصوص تثبیت کنند و آن را به دولت ایران بقبولانند. در رابطه با اختلافات بین ایران و عراق در خصوص نحوه استفاده از آب رودخانه کنجان چم، وزارت جنگ ایران طی گزارشی به وزارت امور خارجه ایران در خرداد سال ۱۳۳۱ هـ ش. چنین نوشته است:

«دولت عراق از آب رودخانه مزبور [کنجان چم]، سهمیه‌ای نداشته و اصولاً هیچ‌گونه قراردادی هم با دولت مزبور، در این زمینه منعقد نگردیده؛ بلکه فقط آنها می‌توانند حسب‌المعمول، در صورت وجود فاضلاب، از آن استفاده نمایند. در موضوع لایروبی نهر قدیم نادری که اهالی پس از جلب موافقت اداره دارایی ایلام شروع به لایروبی نهر متروکه مزبور و کشت و زرع زمین‌های بایر خود نموده‌اند، چون فاضلاب رودخانه که مورد استفاده عراقی‌ها است، نقصانی رخ داده، مرزبان بدره [عراق] به مرزبان شهر مهران، اعتراض کرده بود که مرزبان شهر مهران، بی‌اساس بودن اعتراض او را خصوصاً مدلل نموده و متذکر شده است که اهالی در نظر دارند، نهر قدیم متروکه غلام شاهی و رضاآباد (در حوزه کنجان چم) را نیز دایر نمایند. متمنی است، مقرر فرمایید، آن وزارتخانه، نیز در این باب پاسخ قاطع و کافی [به عراقی‌ها]، صادر فرمایند که به این قبیل شکایات و مراجعات که در حقیقت مداخله در امور داخلی ایران است، خودداری نمایند» (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی، ۳-۲۷۳-۱/۱۰ سال ۱۳۲۸ هـ. ش و ۱۰-۱۶-۱۳۳۱ هـ ش).

در تاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۸ ه. ش. از طرف تیپ مستقل کرمانشاه، سرهنگ دوم کبیری به مهران اعزام شد تا به این اختلاف رسیدگی کند. ایشان در این مأموریت متوجه شد که عراقی‌ها خواستار تقسیم آب کنجان چم به پنج قسمت هستند که سه قسمت آن به عراق جریان یابد. کلانتر شهر مهران متذکر شده که طبق معمول باید عراقی‌ها فقط از فاضلاب این رود استفاده کنند و حق دیگری را ندارند. همچنین قرار شد کمیسویی برای حل این اختلاف تشکیل شود و دو پاسگاه در مرز کنجان چم استقرار یافته تا از وقوع اتفاقات جلوگیری نمایند. تشکیل این کمیسیون نتوانست اختلافات مرزی را مرتفع سازد (یعقوبی: ۱۳۸۹: ۷۴).

در ژوئیه ۱۹۶۰ م. ۱۳۳۸ ه. ش. وزارت امور خارجه عراق «کتاب سفید» را با عنوان حقایق درباره مرزهای ایران و عراق منتشر کرد. در این کتاب در مورد رودخانه‌های مرزی ایران و عراق آمده است که دولت ایران برخلاف صورت‌مجلس‌های کمیسیون‌های تحدید حدود ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ م. ۳/۱۲۹۲ ه. ش. که سهم عراق را از آب رودخانه‌های مرزی تعیین کرده، اقدام به تضییع حق عراق از آب رودخانه‌های مرزی نموده است. کتاب سفید در این مورد به رودخانه‌های الوند در قصر شیرین، کنجان چم در مهران از توابع استان ایلام و گنگیر در سومار از توابع استان کرمانشاه، اشاره کرده است؛ در صورتی که دولت ایران اظهار می‌داشت که عملی برخلاف مندرجات صورت‌جلسه‌های مذکور انجام نداده و همیشه اعلام آمادگی کرده که اختلاف‌های طرفین را حل‌وفصل کند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۲۷۱).

درگیری‌های مرزی ایران و عراق از موسیان تا قصر شیرین در سال ۱۳۵۳ ه. ش.

در سال ۱۳۵۲ ه. ش. حادثه یکشنبه خونین در ۲۱ بهمن در مهران روی داد و این بار هم برخورد خونینی بین طرفین اتفاق افتاد. در این نبرد، دولتین ایران و عراق از نیروهای نظامی بسیاری همراه با تانک، زره‌پوش و توپخانه سنگین استفاده کردند (جعفری ولدانی: ۴۶۲). در این نبرد که به یکشنبه خونین معروف شد، چهارده نفر از عراقی‌ها کشته شد و از مأموران مرزی ایران ۴۱ نفر شهید و ۸۱ نفر مجروح شدند (عاقلی، ۱۳۷۴: ۲۸۱). در این نبرد یک‌تن از نیروهای ژاندارمری به نام سالاری تا آخرین نفس با ارتش متجاوز عراق جنگید و به شهادت رسید. پس از آن یکی از پاسگاه‌های مرزی مهران به نام شهید سالاری نام‌گذاری گردید. آمار کشته‌ها و مجروحین در منابع متفاوت است. در برخی دیگر از منابع آمار کشته‌های عراقی را تا ۳۹ نفر و کشته‌ها و مجروحین طرفین را دویست کشته و زخمی ذکر کرده‌اند (برزگر، ۱۳۸۴: ۶۴).

این نبردها از ۱۹ تا ۲۱ بهمن ۱۳۵۲ در نوار مرزی مهران روی داد که منجر به یک نبرد خونین گردید. بیشترین اختلافات مرزی بین ایران و عراق مربوط به نوار مرزی مهران تا قصر شیرین بوده است. عراقی‌ها

درصد بودند به ارتفاعات ایران که بر شهرهای مرزی عراق مشرف بودند، دست یابند و در طول سال‌های متمادی ناکام می‌ماندند.

با افزایش اختلافات مرزی ایران و عراق، در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲۱ ه. ش. ارتش عراق به داخل مرز ایران تجاوز کرد و هواپیماهای عراق، سد کنجان چم در مهران را بمباران کردند (تجاوز هوایی نیروهای عراق به سد کنجان چم، سند شماره‌ی ۲۱۵۳ - ۲۹۰۰۰). بیشترین برخوردهای مرزی بین ایران و عراق در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ ه. ش. در نوار مرزی قصر شیرین، خانقین، نفت شهر، سومار، نوار مرزی صالح‌آباد، مهران و برده در عراق روی می‌داد. این اختلافات در این مناطق متمرکز شده بود (جعفری ولدانی: ۴۶۳ و اکبری: ۱۳۹۳: ۱۶۴). ارتش شاهنشاهی ایران با تمام قوا به تجاوز ارتش عراق پاسخ داده و اقدام به سرکوب نیروهای متجاوز عراق نمودند.

به دلیل اختلافات مرزی ایران و عراق و خودخواهی‌های دولت عراق در مردادماه ۱۳۵۳ ه. ش. بار دیگر درگیری‌های مرزی در بین نیروهای عراقی و ایرانی به وجود آمد. در روزهای ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۳۰ مردادماه ۱۳۵۳ ه. ش. برخوردهایی در مناطق وسیعی از غرب کشور یعنی از موسیان واقع در جنوب شرقی استان ایلام، مهران، نوار مرزی صالح‌آباد، سومار، نفت شهر و قصر شیرین روی داد که منجر به کشته شدن سه نفر از روستاییان و زخمی شدن کودکی گردید (جعفری ولدانی: ۴۶۱-۴۶۰).

در شهریورماه ۱۳۵۳ ه. ش. بار دیگر برخوردهایی در نوار مرزی غرب کشور و مناطق مذکور بین نیروهای نظامی طرفین روی داد (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۶۴). از اول تا چهارم شهریور ۱۳۵۳ ه. ش. بین طرفین در مناطق قشقه، سه تپان (که در بین سومار و نفت شهر واقع شده است)، الصعود و چغاشیرگه که در مابین سومار و نفت شهر است، برخوردهایی با استفاده از نیروی رزمی و توپخانه روی داد. در این جریان چندین گلوله توپ عراق به داخل شهرستان قصر شیرین اصابت کرد که تلفات جانی و خسارت مالی در برنداشت (جعفری ولدانی: ۴۶۱).

در بهمن‌ماه ۱۳۵۳ ه. ش. وزرای امور خارجه‌ی ایران و عراق در استانبول ترکیه دورهم جمع شدند تا مشکلات حدود مرزی ایران و عراق را حل کنند؛ اما در همین شرایط، بار دیگر برخوردهای شدیدی بین نیروهای دو کشور روی داد. این بار نبرد بین دولتین در مهران، از توابع استان ایلام، روی داد.

پس از درگیری‌ها و نبردهای خونین بین نیروهای نظامی ایران و عراق بر سر اختلافات مرزی در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ ه. ش. سرانجام وزرای خارجه ایران و عراق که عباسعلی خلعتبری از ایران و سعدون حمادی از عراق بودند، با وساطت دولت الجزایر در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ ه. ش. / ۶ مارس ۱۹۷۵ م. با

انعقاد قرارداد الجزایر به اختلافات مرزی ایران و عراق برای مدت ۵ سال پایان داد. مهم‌ترین مواد این قرارداد عبارت بودند از:

- ۱- مرزهای زمینی دو کشور بر اساس پروتکل قسطنطنیه (استانبول ۱۹۱۳ م.) و صورت‌جلسه‌های کمیسیون تعیین مرز ۱۹۱۴ تعیین کنند.
- ۲- مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ (یعنی عمیق‌ترین نقطه رودخانه) تعیین نمایند.
- ۳- با این کار دو کشور، امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار ساخته، طرفین بدین سان متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خراب‌کارانه از هر سو داشته باشد، اعمال کنند.
- ۴- دو طرف توافق کرده‌اند که مقررات فوق عواملی تجزیه‌ناپذیر جهت یک‌راه حل کلی بوده و در نتیجه بدیهی است که نقض هر یک از مفاد مواد فوق مغایر روحیه توافق الجزیره است (شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۴۱-۲۴۰).

اختلافات مرزی جمهوری اسلامی ایران و عراق

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش به دلیل درگیری‌ها و اختلافات گروه‌های سیاسی و بروز مشکلات داخلی در ایران، دولت عراق از این اوضاع نابسامان ایران استفاده کرد و بارها به تجاوز زمینی، هوایی و دریایی به ایران اقدام نمود. دولت بعث عراق به رهبری صدام حسین که با برکناری حسن البکر به ریاست جمهوری عراق رسیده بود، از تاریخ سیزدهم فروردین ۱۳۵۸ تا سی‌ام شهریور ۱۳۵۹ ش، ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی، هوایی و دریایی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران داشته است. تعداد تجاوزات ثبت‌شده دولت عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران در سه ماه اول سال ۱۳۵۸ ش ۱۴ مورد، در سه ماه دوم سال ۱۳۵۸ ش ۱۱ مورد، در سه ماه سوم سال ۱۳۵۸ ش ۲۶ مورد و در سه ماه چهارم همان سال ۳۳ مورد گزارش شده است. همچنین تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران تا سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ ش. در سه ماه اول ۱۳۵۹ ش. ۱۴۲ مورد و در سه ماه دوم همان سال ۴۱۰ مورد گزارش شده است (ولایتی: ۴۱). اختلافات مرزی ایران و عراق پس از چند دهه سرانجام منجر به جنگ تحمیلی هشت‌ساله (۱۳۶۷-۱۳۵۹ ه. ش.) عراق علیه جمهوری اسلامی ایران گردید. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ م. / ۱۳۵۴ ه. ش. الجزیره، از سوی دولت عراق خوشبختانه مشکلات و اختلافات مرزی دو کشور ایران و عراق حل شده و تاکنون مشکل خاصی به وجود نیامده است. به‌طور کلی از

انعقاد عهدنامه صلح آماسیه در سال (۹۶۲ ه. ق.) / ۱۵۵۵ م. در عصر سلطنت شاه‌تیماسب اول صفوی (همان: ۱۶-۱۷) تا عهدنامه ۱۹۷۵ م. / ۱۳۵۴ ه. ش. الجزیره حدود هجده عهدنامه بین ایران و عثمانی و سپس ایران با ترکیه و ایران با عراق در مورد نوار مرزی غربی کشور ایران بسته شده است (صحرائی، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۶).

نتیجه

مقاله حاضر به سیر تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق بر سر رودخانه‌های مرزی در استان ایلام در دوره پهلوی پرداخته است. محقق با بررسی منابع و مآخذ به این نتیجه رسیده است که سه عامل اساسی باعث اختلافات مرزی ایران و عثمانی و سپس ایران و عراق در مورد رودخانه‌های مرزی پشتکوه شده است. عامل اول نیاز شدید مردم مناطق بدره، جسران و زرباطیه عراق به آب رودخانه کنجان چم و نیاز شدید مردم مندلی عراق به آب رودخانه گنگیر برای تأمین آب کشاورزان مناطق مذکور بوده است. عامل دوم که موجب اختلاف ایران و عراق بر سر رودخانه‌های مرزی استان ایلام شده بود، عدم توجه دقیق و نحوه استفاده مردم مناطق مرزی ایران و عراق از آب رودخانه‌های مذکور در پروتکل تحدید حدود ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ ه. ش. بین ایران و عثمانی بوده است. عامل سوم خودخواهی و زیاده‌طلبی مسئولان و دولتمردان عراق برای دست‌درازی به خاک ایران اسلامی بوده است. اختلافات مرزی ایران و عثمانی و ایران و عراق بر سر رودخانه‌های پشتکوه و استان ایلام از دوره صفویه شروع شده بود و با قرارداد ۱۹۷۵ م. / ۱۳۵۴ ه. ش. الجزیره برای مدت پنج سال مرتفع گردید؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دولت عراق در سال ۱۳۵۹ ه. ش. به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرد و با تصرف قسمت‌هایی از خاک میهنمان در صدد تثبیت مرزهای خود بر اساس نقشه‌های مجعول خود شدند که با مقاومت شدید و شجاعانه‌ی مردم ایران، عراق به اهداف خود نرسید و مجبور به پذیرش قرارداد الجزیره گردید که جمهوری اسلامی ایران از آغاز تجاوز عراق به ایران، خواستار پذیرش و اجرای آن از سوی عراق شد.

منابع

- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۷۲) رضا قلی خان نظام‌السلطنه (صورت‌جلسات هیئت دولت مهاجرت)، تهران: نشر تاریخ ایران.
افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲) ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.

- اکبری، مرتضی (۱۳۸۶) تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، قم: ققه.
- _____ (۱۳۹۰) حضور زنان استان ایلام در دفاع مقدس، ایلام: جوهر حیات.
- _____ (۱۳۹۳) سومار در مسیر تاریخ، ایلام، جوهر حیات.
- _____ (۱۳۹۴) تاریخ استان ایلام در عصر پهلوی، دانشنامه ایلام، ایلام جوهر حیات.
- برزگر، علیرضا (۱۳۸۴) روزشمار جنگ تحمیلی، تهران: سروش، چاپ دوم.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۶) بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲) ایران در جنگ بزرگ، تهران: نشر ادیب.
- شیرازی، رضا (۱۳۸۹) قراردادهای مرزی پانصد سال اخیر ایران، تهران: بنیاد حفظ ارزش‌های دفاع مقدس.
- صحرائی، محمد (۱۳۸۹) تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام، تهران: نشر فاتحان.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۲) گزارش‌های سیاسی میرزا محمود خان علاء الملک طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. چاپ دوم.
- عاقلی، یاقر (۱۳۷۴) روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد (۲)، تهران: نشر گفتار، چاپ چهارم.
- عباسی، محمدرضا (۱۳۷۲) حکومت سایه‌ها، اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار، به کوشش محمدرضا عباسی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۴) چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم، تهران: وزارت امور خارجه.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار، جلد (۲) (۱۳۶۹) تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- لرد کرزون، جرج. ن (بی‌تا) ایران و قضیه ایران، جلد (۲) ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرادی مقدم، مراد (۱۳۸۵) تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران: پرسمان.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۹) آشنایی با دفاع مقدس، تهران: خادم‌الرضا (ع).
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶) تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- چاپ ششم.
- یعقوبی، کریم و علی (۱۳۸۹) ایلام در دوره پهلوی از سقوط والیگری تا سقوط پهلوی (۱۳۰۷-۱۳۵۷ ش)، تهران: جوهر حیات.
- اسناد و روزنامه
- سازمان اسناد ملی ایران، موضوع سند: آب رودخانه کنجان چم، سند شماره ۲/۸۱۴ الف ب ۲۴۰۰۰۱۴۶۳، سال ۱۳۸۱ ه. ق
- مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۲۱۵۳-۲۹۰۰۰ در مورد تجاوز هوایی عراق به سد کنجان چم.
- مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی ۳-۲۷۳-۱/۱۰ سال ۱۳۲۸ ه. ش
- مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی ۳-۲۳۷-۲۳-۱۳۲۸ ه. ش.
- مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی ۱۰-۱۶-۱۳۳۱ ه. ش.
- مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده‌ی شماره‌ی ۱-۲۰۰-۲۰-۱۳۲۸ ه. ش.
- روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ ه. ش، شماره‌ی ۷۵۱۶
- روزنامه‌ی اطلاعات، ۲۰ خردادماه ۱۳۱۳ ه. ش، شماره‌ی ۲۲۰۸